

تأثیر زبان عربی بر شعر نظیری نیشابوری

دکتر صفرا فلاحتی*

چکیده

هر زبانی بر اساس نیازهای خود واژه‌هایی را از زبان‌های دیگر وام می‌گیرد که زبان فارسی نیز این‌گونه می‌باشد. از میان زبان‌ها، زبان عربی بیش و پیش از هر زبان دیگری بر زبان فارسی تأثیر گذاشته است. واژگان بسیاری طی ۱۱ سده وارد زبان فارسی شده است. ورود زبان عربی به قلمرو شعر فارسی به یک دوره زمانی و یا شاعری خاص بر نمی‌گردد. بلکه همه شاعران پارسی‌زبان کم و بیش زبان عربی را در سروده‌های خود بکار برده‌اند. محمدحسین نظیری نیشابوری شاعر فارسی‌سرای ایرانی قرن ۱۱ و ۱۱ ه. ق که در هندوستان سکونت گزید، دیوانی مشتمل بر انواع گوناگون شعر دارد که در آن غزل بیش از همه خودنمایی می‌کند. نظیری نیشابوری در جای‌جای دیوانش از کلمات، تعبیر و جملات عربی استفاده کرده است. او این موارد را به خوبی در خدمت زبان فارسی قرار داده است به طوری که خواننده با شنیدن آن‌ها دچار دوگانگی زبانی نمی‌شود. نوع بکارگیری این عبارت‌ها ثابت می‌کند که او با زبان عربی آشنا بود و وجوه فصاحت و بلاغت و ایجاز عربی را هم می‌دانست. به کارگیری آیات قرآن و احادیث پیامبر و ... منجر به بروز پدیده بینامتنی در دیوان او شده است. در این مقاله با شیوه توصیفی و تحلیلی تلاش شده است تا با بررسی شعر نظیری نیشابوری مشخص شود که زبان عربی به چه میزان در شعر این شاعر فارسی‌زبان رسوخ کرده و شاعر به چه روش‌هایی میان زبان فارسی و عربی هماهنگی ایجاد کرده است.

کلیدواژه‌ها: نظیری نیشابوری، زبان عربی، زبان فارسی، بینامتنی، عبارت، جمله.

*Email: falahati@khu.ac.ir

مقدمه

شاعران پارسی زبان کم و بیش زبان عربی را خواسته یا ناخواسته در سروده های خود بکار برده اند. میزان و چگونگی به کارگیری زبان عربی در اشعار فارسی متفاوت است. برخی از شاعران نه تنها واژه های عربی و جملات پراکنده را در سروده های خود وارد کرده اند بلکه به سرودن ملمع یعنی قصایدی که یک مصراع عربی و یک مصراع فارسی دارد پرداختند. اشعار حافظ، سعدی و ... نیز از تأثیر زبان عربی بی بهره نماند. زبان عربی حتی در شاهنامه که فردوسی با هدف زنده کردن زبان فارسی سرود، وارد شده است. اگر چه تعداد واژه های عربی بکار رفته در شاهنامه در مقایسه با شاعران دیگر فارسی بسیار اندک است.

باتکیه برآن چه گذشت در این مقاله سعی شده تا به پرسش های زیر پاسخ داده شود:

۱- آیا زبان عربی در شعر نظیری تأثیر گذاشته است؟ ۲- دامنه این تأثیر به چه میزان و چگونه است؟ به سه دلیل شعر نظیری را انتخاب کردم: ۱- او در دوره ای زندگی می کرد که زبان عربی جایگاه خود را به عنوان زبان علمی از دست داده بود و زبان فارسی ساختار هویتی خود را در بین ادباء و دانشمندان باز یافته بود. ۲- شاعر در سرزمین هند و به دور از تحولات سیاسی و ادبی ایران دوره صفویه زندگی می کرد. ۳- در باره تأثیر زبان عربی بر شعر نظیری تاکنون پژوهشی انجام نشده است. هدف از این مقاله بیان میزان تأثیر زبان عربی بر شعر نظیری است، نه اشاره به تغییرات کاربردی- نحوی واژه ها و جملات عربی، چرا که بیان این مساله و پژوهش درباره آن مجال دیگری و قلمروی وسیع تر از دیوان یک شاعر رامی طلبد، که این تغییر کاربردهای نحوی به ماهیت زبان بر می گردد نه مهارت شاعر. در این مقاله میزان بهره مندی شعر نظیری از واژه ها و عبارات های عربی و نحوه بکارگیری آن ها توسط شاعر و چگونگی کاربرد زبان عربی در دیوان او و راه هایی که نظیری برای نزدیک کردن مخاطب به مفهوم واژه ها بکار گرفته شرح داده خواهد شد. سپس به خاستگاه اصلی بعضی از جملات عربی اشاره می شود، آن گاه با اشاره به مواردی از اشعار ثابت خواهد شد که نظیری علاوه بر زبان عربی با مسائل اجتماعی، سیاسی، تاریخی، ادبی، دینی و ... اعراب نیز آشنا بوده است. وجود کلمات فارسی معادل با واژه های عربی در جای جای دیوان نشانگر

تعمد نظیری در استفاده از این واژه ها بوده و نشان می دهد که وی با آگاهی کامل از معنی واژه فارسی، کلمه عربی را بکار برده است.

پیشینه ی تحقیق

درباره زندگی و شعر این شاعر سبک هندی پژوهش های گوناگونی انجام شده است، به عنوان نمونه مقاله های «نظیری شاعرسبک هندی و نیشابور، رضا مصطفوی سبزواری» و «موسیقی بیرونی اشعار نظیری نیشابوری، محمود عباسی، معصومه ملاالهی» که در فصلنامه مطالعات شبه قاره چاپ شده اند، به برخی از ویژگی های شعر او پرداخته اند، اما درباره تأثیر زبان عربی در شعر او پژوهشی انجام نشده است.

زندگی نظیری نیشابوری

محمدحسین از شاعران قرن دهم و یازدهم ه.ق (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۴۴۹) از جوین (صفا، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۹) یا منطقه نیشابور بود، در کنار تجارت به کسب علم و ادب پرداخت (همان) او بعد از بلوغ شاعری (همان: ۶۴) به قصد تجارت از خراسان به کاشان و از آنجا به هند مسافرت کرد (آذر بیگدلی، ۱۳۷۷: ۱۴۹۹) و در دستگاه عبدالرحیم خان خانان و دربار جلال الدین اکبرشاه و پسرش جهانگیر شاه، عزت و احترامی تمام دید. (دهخدا، ۱۳۴۶، ج ۴۸: ۶۱۵) نظیری در انواع شعر طبع آزمائی کرده است و دیوانش که در برگیرنده ده هزار بیت (آذر بیگدلی، ۱۳۷۷: ۴۵۰) یا دوازده هزار بیت (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۷۵: ۷۹۴) می باشد، مشتمل بر غزلیات، قصاید و ترکیب بند و رباعی است. (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۶۴) او در شعر از انوری و خاقانی و نظامی و سعدی تقلید کرد. (آذر بیگدلی، ۱۳۷۷: ۷۲۴) ولی هنر خاص وی در سرودن غزل بوده و در غزل سرائی بیشتر به غزلیات خواجه حافظ توجه داشته است. (همان) اشعارش به سبک هندی سروده شده و اغلب ابیاتش دارای مضامین نو و معانی بدیع است. او که شیعه (آذر بیگدلی، ۱۳۷۷: ۷۲۴) دوازده امامی (صفا، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۷۰) بود و قصاید زیادی در حمد خدا و مدح پیامبر و امامان سرود (همان: ۳۷۲) در اواخر عمر با اندیشه کسب زبان عربی و علوم دینی گوشه عزلت گزید و عربی را از شیخ غوثی مندوی و علوم دینی و

تفسیر و حدیث را از حسین جوهری آموخت. (همان: ۳۷۰) در سال وفات او اختلاف نظر وجود دارد. میرفائض نطنزی داماد نظیری با شعر «زدنیا رفت حسان العجم آه» سال وفات او را ۱۰۲۱ ه. ق ثبت کرده است (گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۴۵۰) ولی صاحب تذکره آتشکده آذر با بیان ماده تاریخ در مصراع «مرکز دایره بزم کجاست» سال وفات نظیری را ۱۰۲۰ ه. ق می داند (آذرج بیگدلی، ۱۳۷۷: ۷۱۵) و در جای دیگر با ماده تاریخ «علم بکوی ابد زد پیمبر شعراء» وفاتش را سال ۱۰۲۲ ه. ق ذکر کرده است. (فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۷۵: ۷۹۴) برخی هم سال وفات او را ۱۰۲۳ ه. ق می دانند. (آذر بیگدلی، ۱۳۷۷: ۷۱۵) او در احمدآباد گجرات هند چشم از جهان فرو بست و در مسجدی که در نزدیکی منزل خود ساخته بود به خاک سپرده شد. (همان)

زبان عربی در دیوان نظیری نیشابوری

هر زبانی بر اساس نیازهای خود واژه هایی را از زبان های دیگر می گیرد، در فارسی به این پدیده وام گیری گویند. اگر چه وام گیری خود به خود فطری زبان است با مشاهده واژگان بسیاری که طی ۱۴ سده وارد زبان فارسی شده، پی می بریم که زبان عربی بیش و پیش از هر زبان دیگری بر زبان فارسی تأثیر گذاشته است. سروده های نظیری نیز آشکارا بیانگر این تأثیر است. زبان عربی در دیوان او به سه صورت واژه، ترکیب و جمله وارد شده است.

۱- واژه: در اشعار نظیری با واژه هایی روبرو می شویم که خاص زبان عربی است و فارسی زبانان در گفتار خود معادل فارسی آن را بکار می برند. کاربرد فراوان این واژه ها و توانایی شاعر در بکارگیری آن ها، قدرت او را در تلفیق هم زمان - زبان فارسی و عربی - نشان می دهد. این کلمات به گونه ای بکار گرفته شده اند که به متن فارسی آسیبی نمی رسانند و در عین حال شنونده را به مفهوم مورد نظر شاعر راهنمایی می کنند. واژه های عربی دیوان نظیری گوناگون هستند و انواع مشتقات عربی، مصدرها، اسم های جنس به صورت مفرد، مثنی و جمع بکار رفته اند. گاهی نظیری واژه های عربی را آن قدر وارد شعر فارسی کرده که جملاتی را می بینیم که همه یا بخش زیادی از واژه های آن عربی هستند، مثل: «جزای حسن عمل در شریعت عربیست» (نظیری، ۱۳۴۰: ۹/۶۴) که کلمات «جزا، حسن، عمل، شریعت»

عربی هستند و یا در بیت: «مصرع نظم بی غلط، صفحه نثر بی سقط / نسخه نظم و نثر من، نقطه سهو و شک نحو است» (همان، ۸/۶۹) که خواننده با شمار فراوانی از واژه های عربی روبرو می شود. در جای دیگر نظیری گفته است: «به هجر و وصل دلم الفت و نزاع ندارد / نشاط آمدن و کلفت وداع ندارد» (همان، ۶:۱۰۹) و «اصحاب حسان مصحف از احباب ستانند / بگرفتم از احباب به تعظیم نشان را» (همان، ۳۸۵: ۱۲) و یا «حکمتت از بهر احداث موالید ثلاث / کرده سفلی امهات و علوی آبا ساخته» (همان، ۴۸۳: ۴) در پایان مقاله جدول بسامدی واژگان عربی بی که بیش از یک بار در شعر نظیری تکرار شده نمایش داده می شود.

۲- ترکیب: در اشعار نظیری ترکیب های عربی را می بینیم که بیشتر اضافی و گاهی وصفی هستند. الف- ترکیب های اضافی: این دسته ترکیب ها به دو صورت در دیوان نظیری به کار رفته اند. دسته اول ترکیب هایی هستند که ظاهرشان عربی بودنشان را تایید می کند. مانند: «روح الامین (همان، ۱۰/۴۹۸) و (همان، ۱۲/۵۱۲)، ذوالفقار، (همان، ۱۱/۴۹۹ و ۱۱/۴۲۶)، ام الخبائث (همان، ۱۷/۵۰۷)، باطل السحر (همان، ۴/۴۹۶)، روح القدس (همان، ۱/۴۹۸) و (همان، ۱۱/۴۲۶)، شق القمر (همان، ۸/۴۹۸)، بیت العنب (همان، ۱۰/۳۸۴)، ابدالدهر (همان، ۷/۳۸۷)، خیرالبشر (همان، ۸/۴۰۲)، بیت الله (همان، ۱/۴۰۴)، ملک العرش (همان، ۱۶/۴۳۸) و (همان، ۱۵/۵۱۳) احسن الاشکال (همان، ۱۷/۴۳۸)، حورالعین (همان، ۹/۴۲۹)، کحل الجواهر (همان، ۹/۴۴۰)، افضل الشعراء (همان، ۲/۴۴۷)، ذوالمن (همان، ۲/۴۵۰)، شمس الضحی (همان، ۱۸/۴۵۴)، اولوالامر (همان، ۲۰/۴۵۵)، خواص الرجال (همان، ۳/۴۶۱)، عوام النساء (همان، ۳/۴۶۱)، اشرف الاخوان (همان، ۸/۴۶۸)، روح الامین (همان، ۲/۴۷۲)، اشرف المرسلین (همان، ۱۴/۴۷۲)، عون الله (همان، ۱۰/۴۷۵)، جبل المئین (همان، ۱۵/۴۷۶) و (همان، ۲۰/۴۸۴)، قول الله (همان، ۱/۴۷۸)، خیط الشعاع (همان، ۱۵/۴۷۹)، علم الاسماء (همان، ۱۱/۴۸۳)، حرب الله (همان، ۱۴/۴۸۴)، اصل الاصول (همان، ۱۲/۴۸۶)، عین الیقین (همان، ۱/۴۸۷)، ذوالنورین (همان، ۳/۴۹۱)، خیر المرسلین (همان، ۶/۴۹۱)، یوم الغدیر (همان، ۱۱/۴۹۱) دسته دوم ترکیب هایی هستند که در ظاهر به دلیل نداشتن «ال» عربی نیستند اما در مفهوم ترکیبی عربی می باشند. مانند: «عقدبان (همان، ۹/۳۸۲)، سکان سماوات (همان، ۹/۳۸۳)، مالک رقاب (همان، ۱۰/۳۹۳) فتح باب (همان، ۶/،

نسخ صور (همان، ۱۰/۴۴۲)، آل عبا (همان، ۱۰/۴۵۰)، انتظام اقارب (همان، ۴/۴۵۷)، رمیم موتی (همان، ۲۱/۳۸۸)، آل زهرا (همان، ۴/۴۹۱)، سموم وادی (همان، ۱۸/۵۵۰)

ب- ترکیب های وصفی: نظیری ترکیب هایی را به کار برده که در معنی صفت و موصوف هستند و در مقایسه با ترکیب های اضافی کاربرد کمتری داشته اند. مانند: «عظام رمیم (همان، ۲۱/۳۸۹) و (همان، ۴/۴۵۲)، وادی ایمن (همان، ۹/۴۵۰)، ماء حمیم (همان، ۵/۴۵۲)» با بررسی ترکیب های بکار رفته در اشعار نظیری در می یابیم که او بیشتر ترکیب های اضافی را در قصائد خود بکار برده است و تعداد ترکیب های بکار رفته در غزلیات شاعرانگشت شمار هستند و ترکیب های اضافی بکار رفته بیشتر مفهوم مذهبی و اسلامی دارند.

۳- جمله: در اشعار نظیری جمله های عربی آمده است که مفهوم کاملی را می رساند.

این جملات را با توجه به کاربردشان می توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف- جمله در معنی کلمه. در اشعار نظیری جمله های عربی گاه در مفهوم یک کلمه مفرد بکار رفته است، مانند جمله «لولاک» که برگرفته از حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک» است و نظیری آن را با کلمه «خواجه» ترکیب کرده است و از عبارت «خواجه لولاک» (همان، ۱۰/۲۶۶) معنی «پیامبر» را اراده نموده است. در مصراع «نامش آخر حرزش اصطفینا ساخته» (همان، ۹/۴۸۳) اصطفینا که از فعل و فاعل ساخته شده و جمله کاملی است را با واژه «حرز» همراه کرده است، او و دیگر شاعران فارسی سرا این جمله عربی را به معنی «اهل بیت پیامبر» به کار برده اند. از دیگر جملات عربی به کار رفته با مفهوم مفرد می توان به جمله های «ماسوی الله» (همان، ۱۸/۴۸۹) و «لحمک لحمی» (همان، ۱۲/) اشاره کرد که به معنی «موجودات» و «یگانگی» به کار رفته اند. آیه «لا اله الا الله» که در عربی جمله کاملی است در بیت: «تو خود نظیر خودی، لاله الا الله / همان یکی است که خود اولست و خود ثانی» (همان، ۱۷/۵۰۸) به معنی «خداوند» است. البته نظیری و دیگر شاعران فارسی سراسازنده این جملات عربی نبوده اند و آن را از سخنان

مردم عادی نیز نگرفته اند، بلکه این جملات گاهی یک آیه یا بخشی از یک آیه یا حدیث معروف و یا سخن انسان برجسته ای هستند.

ب- جملات معترضه. از جمله مواردی که نظیری از جملات عربی استفاده کرده است، کاربرد آن به عنوان جملات معترضه است. مانند: «عفاک الله (همان، ۸/۸)، معاذالله (همان، ۱۳/۲۶۶) و (همان، ۲/۳۶۹)، حاشاک (همان، ۱۳/۲۶۶)، نعوذبالله (همان، ۷/۴۴۱) و (همان، ۷/۴۵۳)، تبارک الله (همان، ۲۰/۴۴۱) و (همان، ۱۷/۴۲۴)، عفی الله (همان، ۱۶/۵۰۶)

نظیری بارها تشکر خود را با عبارت های عربی از خداوند بیان کرده است: «شکرالله (همان، ۷/۱) و (همان، ۶/۱۳۷) و (همان، ۴/۲۲۴) و (همان، ۵/۳۴۱) و (همان، ۷/۴۶۶)».

ج- جمله عربی. نظیری در دیوان خود جملاتی عربی دارد که گاه بخشی از یک مصراع می باشند. مانند: «عزت تو عندنا باق نوشته بر نگین.» (همان، ۱۰/۴۸۴) گاه جمله عربی یک مصراع کامل از شعر نظیری را به خود اختصاص داده است، مانند: «نظیری گر طمع داری که مقبول مغان باشی / فلا تحسد ولا تبخل ولا تحرص علی الدنيا» (همان، ۸/۳) یا آیه «وحده لاله الا الله» که در چند جای دیوان یک مصراع کامل را در بر گرفته است. از جمله بیت: «حسن بر تفرّد تو گواه / وحده لاله الا الله» (همان، ۱۵/۳۳۱) و بیت «هرکه بیند شکوه او گوید / وحده لاله الا الله.» (همان، ۱/۴۷۵) جمله عربی در بیت زیر نیز جانشین یک مصراع کامل فارسی شده است: «اذا ما شئت ان تحیی حیاة حلوة المحیا / به رسوایی بر آور سر، ز مستوری بر دل نه پا.» (همان، ۱۳/۲) در بعضی از موارد نیز جمله عربی یک بیت کامل را به خود اختصاص داده است. مانند: «عوناً تجدک روحی یا مظهر العجائب / اکشف هموم قلبی یا کاشف الدقائق.» (همان، ۱۶/۲۶۳) نظیری گاهی این جملات را از قرآن یا احیث و یا حکمت های عربی گرفته است. مانند: «وحده لاله الا الله» که برگرفته از قرآن کریم است. (سوره محمد، آیه ۱۹) و «آیه نصر من الله کفر تغرا ساخته» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۴/۴۸۴) که اشاره به سوره النصر دارد. شایان ذکر است که در دیوان نظیری قصیده ای که همه ابیاتش عربی باشد و یا حتی شعری که کل ابیات آن دارای یک مصراع فارسی و یک مصراع عربی (ملمّع) باشد، وجود ندارد.

روش نظیری در استفاده از واژه های عربی

نظیری با توجه به نیاز موسیقی شعرش، گاه کلمات را چنان که در دستور زبان عربی

رایج است به کار می برد، به طور نمونه برای موصوف مذکر صفت مذکر «این که گویند اسم اعظم داشت جم، افسانه ایست» (همان، ۴/۴۰۸) و برای موصوف مکسر، صفت مفرد مونث می آورد. مثل: «باید که از عناصر سفلی کند کنار.» (همان، ۸/۴۲۹) البته گاهی از روش خاص عرب ها در کاربرد اسم عدول کرده و بسته به شرایط حالت اعراب عربی را به اسم نداده است، مانند واژه های «ذو، اب و ...» که در زبان عربی به «اسم های سته» معروف هستند و تنها در حالت رفعی «و» می گیرند. نظیری آن ها را در نقش اضافی به کار برده، ولی به آن ها اعراب جر نداده است. مانند: «درون قبه بیضاست جای ذوالقرنی» (همان، ۸/۴۹۲) که این ترکیب در عربی به صورت «ذی القرنی» در جایگاه مجرور به کار می رود. با توجه به چگونگی کاربرد واژه ها در دیوان نظیری آن ها را می توان به گونه های زیر طبقه بندی کرد:

الف- مطابقت صفت و موصوف: یکی از روش های ویژه عرب زبانان، مطابقت صفت و موصوف از نظر جنس، عدد، حرکت و ... است، به گونه ای که برای موصوف مفرد، صفت مفرد و برای موصوف مونث، صفت مونث می آورند. نظیری هم در بیشتر موارد این روش را دارد: اسم اعظم (همان، ۹/۴۳۸)، امام ثامن ضامن (همان، ۳/۳۸۹ و ۴)، عظام رمیم (همان، ۴/۴۵۲)، ید بیضاء (همان، ۴/۳۷۶)، بیت عتیق (همان، ۳/۲۶۵)، جبل متین (همان، ۱۷/۲۹۹)

ب- حالت اعراب عربی: از موارد خاص زبان عربی، رعایت اعراب در نقش ها است. این روش را در واژه های غیر عربی دیوان نظیری می بینیم. مانند: «خلاف مشورت او که کرده ذوالنورین» (همان، ۱۶/۴۹۲)، که کلمه «ذو» فاعل است از اعراب عربی فاعل پیروی کرده و مرفوع شده است.

ج- منادا. روش ندا در اشعار نظیری چونان عرب زبانان است، گاه حرف ندا «یا» را پیش از اسم آورده مانند: «یا شفیع المذنبین در ظل احسانم در آر» (همان، ۷/۴۹۱)، «یا نبی الله.» (همان، ۱۸/۴۷۶)

د- استثناء یکی از مباحث نحو در زبان عربی استثناء می باشد (الشرتونی، ج ۴: ۳۲۳) از رایج ترین حروف استثناء «الّا» است که آن را در اشعار نظیری می بینیم. مثل: «هر دیده و خواننده شد فراموش / الّا تو ندیده در ضمیری» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۴/۳۵۶) و «کس نبیند بدر

رخسار تو آلا در حجاب.» (همان، ۶/۴۸۱) ناگفته نماند «الا» که از حروف استثناهای عربی است در شعر نظیری و شاعران فارسی سرای دیگر مفهوم قیدی یافته است.

ه- تنوین. یکی از مواردی که در اشعار نظیری مشاهده می شود، استفاده از کلمات تنوین دار است. نظیری تنوین را که خاص زبان عربی است به کار برده است: «به مرگم آستین عمداً شکسته» (همان، ۱۰/۳۳۲) و یا «باطناً غایب مصلی از مصلی ساخته.» (همان، ۲۲/۴۸۹) نا گفته نماند که او کلمه باطن را بدون تنوین و با افزودن حرف اضافه نیز به کار برده است، به باطن (همان، ۳/۲۱) با بررسی دیوان بیتی که در آن کلمه عمد بدون تنوین به کار رفته باشد، یافت نشد، اما کلمه سهو را بدون تنوین و به روش فارسی زبانان به کار برده است: «به سهو اگر رقمی کرده ام قلم درکش» (همان، ۴/۲۲۸) و «ز سهو خاطر یاران چنان سقیم شدم.» (همان، ۱/۱۰۴) همچنین کلمات فراوان دیگری که اگر شاعر می خواست می توانست آن ها را به جای افزودن حرف اضافه با تنوین به کار ببرد. مانند: «زاغ گرنه به جد کند پرواز» (همان، ۱/۱۰۴) یا مصرع: «به ظاهر دیده گر صورت پرست است» (همان، ۴/۲۰۳) و... که به صورت «ظاهراً، جداً و نقداً» نیز به کار می روند.

و- نفی عربی. عرب زبانان برای منفی کردن سخن خود گاهی از حرف «لا» استفاده می کنند. نظیری هم این حرف را برای منفی کردن سخنش به کار برده است. مانند: «نور لا شرقی و غربی دیده ام» (همان، ۹/۴۶۷) که در مصرع قبل این حرف به صورت «لای نفی جنس عربی» به کار رفته است.

ز- اسم فعل. از جمله موارد موجود در اسلوب شعری نظیری که زبان او را به عربی نزدیک ساخته است، آوردن اسم های فعل است. نظیری از میان اسم های فعل کلمه «هیئات» را زیاد به کار برده است. مانند: «ستاره کس شمرد با حدیث من هیئات» (همان، ۹/۲۲۸) و یا «به مدعای دل خود کجا رسم هیئات.» (همان، ۱۱/۲۴۸)

ح- کاربرد «ال»: آوردن کلمات همراه «ال» در زبان عربی مرسوم است. عرب زبانان «ال» را در معانیی چون تعریف، جنس و... به اسم می افزایند. نظیری نیز در اشعارش «ال» را به کار برده است مانند: «خجل ز مردن خویشم گمان نبود الحق» (همان، ۲۰/۵۰۵۱) یا

«می رسد هر دم به گوشم الامان تربیت» (همان، ۶/۴۱۰) یا «شیم خوش بود و چشمم داشت الحق گریه گرمی» (همان، ۱۰/۲۸۵) و... (اگرچه در فارسی کلمات ذکر شده مفهوم خاصی را یافته اند که کاملاً با کاربرد عربی آن ها تفاوت دارد، ولی افزوده شدن «ال» در ابتدای کلمات از ویژگی های زبان عربی می باشد که به زبان فارسی راه یافته است و در بیشتر موارد مفهوم دیگری غیر از «تعریف» به کلمات داده است.)

ط- جار و مجرور: نظیری جار و مجرور عربی را نیز در زبان فارسی وارد کرده است. مانند: «فی الحال دویدم ز پی مرکب و سامان» (همان، ۱۶/۳۸۵) و «جذب عشقم فی المثل در حسن پیدا ساختن» (همان، ۷/۲۷۹۵)

ی- اسم مثنی: از مواردی که در واژه های عربی دیوان نظیری خود نمایی می کند، کاربرد کلمات مثنی است، کلماتی مانند «کعبتین» (همان، ۴/۳۷۲) و (همان، ۱/۱۸۹)، کونین (همان، ۲۰/۴۷۶)، سبطین (همان، ۷/۴۹۲)، النورین (همان، ۱۶/۴۹۲) و.. البته نظیری واژه «دوکون» را هم در اشعارش بکار برده است: «دوکون از نظر کبریاش آوردند.» (همان، ۴/۴۴۵)

راه های درک معنی واژه عربی

نظیری اگر چه واژه های عربی را فراوان به کار برده است ولی کاربرد فراوان این کلمات مفهوم شعر او را غیر قابل درک نمی کند، زیرا او برای نزدیک ساختن معنی به ذهن مخاطب شیوه های خاصی دارد که در زیر به آنها اشاره می شود.

الف- قرینه (مراعات نظیر): نظیری گاهی کلمات عربی را به همراه کلمه ای می آورد که با آن تناسب داشته باشد. با این روش او مخاطب را به مفهوم واژه عربی راهنمایی می کند. مانند: «سحر بیتی مغنی می سرود» (همان، ۸/۱۴۸) که میان مغنی و سرودن تناسب وجود دارد. یا در مصراع «همین که طایر فرصت رسید صیدش کن» (همان، ۱/۱۳۵) که طایر و صید با هم مناسبت دارند. در مصراع های «شعری که نگفته است نظیری صله دارد» (همان، ۱۲/۱۱۳) و «فسون خط تو پیغام بعثت و شب داج» (همان، ۱۰/۹۵) هم تناسب میان شعر و صله، شب و داج مشاهده می شود.

ب- معنی فارسی واژه: نظیری گاهی کلمات عربی را به همراه معنی فارسی آن‌ها می‌آورد با این روش او مخاطب را به مفهوم واژه عربی راهنمایی می‌کند: «بگذر از عشق که نه خطوه نه گام است اینجا (همان، ۱/۱)، نه مرا بازوی قائم نه مرا دیده راست (همان، ۱۱/۱۸۴)، شود فرشته زپرهیز و احتراز خجل (همان، ۲/۲۷۰)، دست مایه احسنت و آفرین بینی (همان، ۳/۵۱۳)، دود دل سرمه کن و کحل سفاهان مطلب (همان، ۶/۴۲)، که در این مصراع‌ها خطوه و گام، قائم و راست، پرهیز و احتراز، احسنت و آفرین، سرمه و کحل، هم معنی هستند.

ج- آوردن فعل متناسب با معنی فارسی کلمه: نظیری گاهی کلمات عربی را به همراه فعلی می‌آورد که معمولاً با معنی فارسی کلمه همراه است: آزادگان ز دست مبارز سنان خورند (همان، ۳/۱۶۶)، در باخت به عشق مقمر هر آنچه داشت (همان، ۱۳/۱۷۲) مست می‌گشتم به قصد صید و می‌راندم فرس (همان، ۱/۲۱۲) که در مصراع‌های بالا واژه‌های سنان بجای تیر، مقمر بجای قمارباز و فرس بجای اسب به کار رفته است و فعل‌های خوردن، باختن، راندن و هی کردن مفهوم آن واژه‌ها را به ذهن مخاطب نزدیک می‌کند.

د- واژه‌های متضاد: نظیری گاهی کلمات عربی را به همراه واژه‌های متضاد آن می‌آورد و با این روش مخاطب را به مفهوم واژه هدایت می‌کند. مانند: «صحت به در مرگ نویسد سقم را» (همان، ۱۱/۳۷۹)، مجهول به معلوم تو سبقت نگرفته است (همان، ۱۷/۳۸۲)، بر احباب بهشت است و بر اعداء سقر است. (همان، ۳/۴۰۴) چنان که می‌بینیم در مصراع‌های بالا واژه‌های صحت و سقم، مجهول و معلوم، احباب و اعداء با هم متضاد هستند.

ه- اشتقاق: نظیری گاهی کلمات عربی را به همراه کلمه‌ای می‌آورد که میان آنان رابطه اشتقاق برقرار شده است و با این روش او مخاطب را به مفهوم واژه عربی راهنمایی می‌کند: «تو خود ای فاتح ابواب دری کن مفتوح (همان، ۱۵/۹۸)، وزن خود راست به میزان خردمند کنی (همان، ۵/۳۶۴)، بر طایر افلاک ببندد طیران را (همان، ۱۶/۳۸۳) و در بیت‌های «علمی چند ز عیب دگران بردوزیم/ کانقدر جامه رسوایی ما مُعلم نیست (همان، ۲/۸۳) فریاد برآریم از این یار مُشعبد/ کو از ازل این شعبده چرخ روا کرد (همان، ۴/۱۱۸)»

کاربردهای دیگری از واژه ها و عبارات های عربی

- ۱- توازن: نظیری گاهی کلمات عربی را در یک مصراع، یک بیت و یا همه ابیات غزل و قصیده به طور هم وزن می آورد، این توازن ممکن است در اجزای درونی شعر و یا در قافیه باشد. شمار واژه های عربی هم وزن گاه به ۴۰ می رسد، به عنوان نمونه در قصیده شماره ۲۰ که آن را در ستایش شاه اکبر سروده و با بیت «چو رو به برج شرف کرد آفتاب منیر / دمید فاتحه صبح بر حصار اسیر» (همان، ۱/۴۳۲) آغاز می شود، توازن عربی به کمک شاعر آمده است و او از واژه های هم وزن تقریر، تقصیر، تطهیر، تدبیر، تحسیر، تصویر، تعمیر، تکبیر، تخمیر، تغییر، تأخیر، تقریر، تسخیر، تدبیر، تأثیر و ... برای ساختن قافیه استفاده کرده است.
- ۲- واژه های دینی. در بررسی واژه های عربی دیوان نظیری کلماتی را می بینیم که با شریعت اسلام ارتباط دارد و در متون فقهی کاربرد فراوان دارد. کلمات فرض و سنت (همان، ۳/۴۲)، صداق (همان، ۱۲/۶۴)، استغفار (همان، ۳/۷۷)، سجده (همان، ۱۲/۹۹)، شرع (همان، ۹/۱۰۴۳)، فرض و نافله (همان، ۱۰/۱۱۳)، توحید و تکبیر و مصحف و سجاده (همان، ۸/۲۳۳)، مصلی (همان، ۱۷/۳۸۸)، فطر و اضحی و حجاج (همان، ۱۹/۳۸۹)، طواف (همان، ۱/۴۱۱)، معاد (همان، ۱۶/۴۱۱)، جبره (همان، ۹/۴۸۰)، ترتیل (همان، ۱/۴۹۰) و ... از آن جمله اند.
- ۳- تکرار پاره ای از واژه ها و عبارات ها. گاهی پاره ای از واژه ها و عبارات های عربی در جای جای دیوان شاعر تکرار شده است مانند «بسمله، مصحف، الست، بلعجب و...»:
- الف. بسمله. از تعبیری است که نظیری با بسامد بالا به کار برده است و در فرهنگ مسلمانان مخفف «بسم الله الرحمن الرحیم» است. (معلوف، ۱۳۶۲، ذیل کلمه بسمله) از نمونه های آن است: «که هر طرف نگری صید بسمل افتاده است» (نظیری، ۱۳۴۰: ۸/۶۰)، «نیم بسمل شده ای راسر پروازی هست» (همان، ۲/۶۴)، «نیم بسمل شده ماندیم نظیری افسوس» (همان، ۶/۶۷)، «در خون دیده گشته تنم، بسمل تو نیست» (همان، ۱۲/۸۴)، «کار بسمل ز نگاهش به تپیدن نرسد» (همان، ۸/۱۳۸)، «قطره ای خون نگذارد که ز بسمل» (همان، ۸/۱۷۷)، «در خاک و خون تپیده شود بسملی دگر» (همان، ۵/۱۹۴ و...)

ب- الست. این عبارت برگرفته از آیه شریفه «وإذ أخذ ربك من بنى آدم من ظهورهم ذريتهم و أشهدهم على أنفسهم الست برئكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيامة إنا كنا عن هذا غافلين» (الاعراف، ۱۷۲) می باشد و معنای «آیا نیستیم» می دهد، هر جا بیاید اشاره به مفهوم ازلی بودن دارد. در اشعار نظیری «الست» به همین معنا بکار رفته است. مانند: «که هست دلبر ما از الست دلبر ما» (نظیری، ۱۳۴۰: ۷/۳۲) و «به یک طلوع بود نشئه الستی ما» (همان، ۱۵/۳۶) و یا «ایمان ما همان بنده الست ماست» (همان، ۵/۴۷) و...

ج- بلعجب. این عبارت که در زبان عربی «بوالعجب» نوشته می شود و به معنی «صاحب عجب» یا «عجیب» است در اشعار نظیری فراوان بکار رفته است. مانند: «که کارهای چنین از شمار بلعجیبی است» (همان، ۳/۶۵)، «مرده را زنده نماید دم ما بلعجبان» (همان، ۴/۱۰۸) و...

د- لیبیک. از جمله ترکیب های پرکاربرد اشعار نظیری «لیبیک» است، که در عربی مصدری است که به ضمیر «ک» افزوده شده است: «کعبه در لیبیک آمد حلقه تا بر در زد» (همان، ۱۴/۲۸۶)، «لیبیک می فرستی و تکبیر می کنی» (همان، ۵/۳۶۵)، «یکی به صدق و صفا، پیش رفته در لیبیک» (همان، ۱۵/۴۵۳)، «به جای نعره لیبیک بانگ واویلا» (همان، ۹/۴۷۶) و...

۴- تلفظ عربی. نظیری افزون بر واژه هایی که ویژه عرب زبانان است، واژه های دیگری را به کار برده است که در اصل فارسی بوده ولی نوع تلفظ شاعر، آن ها را از زبان مادری دور کرده و به عبارتی شاعر، گونه عربی آن ها را به کار برده است. مانند: «فیروزی ضعیفان در عجز و انکسار است» (همان، ۲/۱۴۳)، «که زصولجان مردی به در آوریم گویی» (همان، ۸/۳۷۰)، «با چنین اختر فیروز و به این استعداد» (همان، ۱۳/۴۱۷) کلمه های «فیروزی، صولجان و فیروز» به ترتیب تلفظ عربی «پیروزی، چوگان و پیروز» هستند.

۵- ترکیب دو زبانه. نظیری در اشعار خود گاهی کلمات فارسی و عربی را با هم در آمیخته و کلمات مرکبی ساخته است که نیمی از آن عربی و نیمی دیگر فارسی هستند. مانند: ترکیب «آب مشرب» در بیت «در آب مشرب روحانیان واصل شو/ معاشران تو مستان، تو هوشیار چه حظ» (همان، ۴/۲۵۲) که آن را بجای آبشخور آورده است.

۶- واژه هایی با اسلوب عربی. نظیری پاره ای از واژه ها را به روش عرب زبانان به کار

برده است. برای نمونه کلمه «واقعه» را چون عرب زبانان با «ات» جمع بسته است. «تاریخ واقعات شهان نانوشته ماند.» (همان، ۹/۱۴۵)

۷- افزودن «ال». عرب زبانان به آغاز بعضی از کلمات معرفه «ال» می افزایند و نظیری نیز به ابتدای بعضی از کلمات «ال» افزوده است. مانند: «بگو به دیر خرابات السلام و می پرس» (همان، ۱۴/۲۱۸) و «تا به راحت تکیه کردی گفت دنیا الرحیل.» (همان، ۸/۲۶۲) البته «ال» به این واژه مفهومی خاص شبیه اسم فعل بخشیده است که با معنی «ال» عربی تفاوت دارد.

۸- کلمات عربی با روش فارسی زبانان. نظیری در اشعار خود گاهی دوزبان فارسی و عربی را با هم در آمیخته ولی این آمیختگی تنها با افزودن پسوند جمع یا... صورت گرفته است. الف- به کلمه یا ترکیب عربی پسوند «تر» که در فارسی نشانه صفت تفصیلی می باشد، افزوده است: «کوتاه امل ترم ز مخمور» (همان، ۱۱/۱۹۶)، بوالعجب تر اینکه خود گنجیم و خود ویرانه ایم.» (همان، ۱۰/۳۰۹) ب- به کلمه و ترکیب عربی نشانه جمع فارسی افزوده است: «دریغ نقش امل ها بر آب جو بستند» (همان، ۶/۱۶۰)، «ز ذوق بوالعجیبی های نقش قدرت تو» (همان، ۷/۴۳۵) و «بخت خصمان تو ناشسته رخ از خواب صبح» (همان، ۹/۴۳۲) ج- به کلمه عربی ضمیر فارسی افزوده است. «چو چشم اعمیم از هجر نور گویدم.» (همان، ۱۰/۲۷۵)

د- عدول از نحو عربی در کاربرد فارسی. مانند: «بر صراط المستقیمش عقل دانا ساخته» (همان، ۵/۴۸۶) که در اصل «الصرط المستقیم» بوده است و در کاربرد فارسی، شاعر از قانون عربی که در موصوف و صفت وارد می شود، عدول کرده و «ال» موصوف را حذف کرده است و یا در عبارت هایی که از ترکیب یکی از اسم های خمسه عربی با کلمه ای دیگر بوجود آمده، در کاربرد مضاف از نحو عربی عدول کرده است. مانند: «درون قبه بیضاست جای ذوالقربی» (همان، ۸/۴۹۲)، «به آیت اولوالارحام سرور آورده» (همان، ۱۳/۴۹۳)، «رخ بوالبشر به سویش ز سرای امّ هانی» (همان، ۱/۵۰۳) که ترکیب های «ذوالقربی» و «اولوالارحام» و «بوالبشر» بر اساس نحو عربی می بایست به ترتیب «ذی، اولی» و «ابی» باشد.

۹- حذف «ال» از ترکیب عربی. شاعر گاهی از ترکیب های معروف عربی «ال» را حذف

نموده است. مانند: «نزهتگه حوران جنان بیت حزن شد» (همان، ۷/۱۵۱) و «دیدم که صبا قاصد صد بیت حزن شد» (همان، ۹/۱۵۱) که شاعر «ال» را از واژه «حزن» برداشته است. البته نظیری این عبارت را چند بار نیز به صورت اصل عربی آن به کار برده است: «پسرگم کرده ای چون انس با بیت الحزن گیرد» (همان، ۴/۱۲۶)، «تا بوکه را دهی که به بیت الحزن رسد» (همان، ۱۲/۱۳۷) البته نظیری در کاربرد این ترکیب گاهی چون دیگر شاعران فارسی سرا دو فارسی و عربی را در هم آمیخته و «کلبه احزان» را بکار برده است: «آن که او در کلبه احزان پسرگم کرد، یافت» (همان، ۴/۱۷۹) «بویی به سوی کلبه احزان نرسیده.» (همان، ۱۰/۳۴۱)

آیات و احایث در شعر نظیری

نظیری جملات عربی فراوانی در اشعار خود دارد که این جملات برگرفته از یک آیه یا بخشی از یک آیه یا حدیث معروف و یا سخن انسان برجسته ای هستند و پدیده «بینامتنی» را در دیوان نظیری بوجود آورده اند. این جمله ها را می توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- جملات برگرفته از آیات قرآن ۲- جملات برگرفته از احایث ۳- جملات برگرفته از سخن بزرگان.

۱- جملات برگرفته از آیات قرآن. این جملات به روش های زیر وارد شده اند:

۲- الف. جمله عربی گاه یک آیه کامل است. مانند: «تو خود نظیر خودی، لاله آلا الله /» (همان، ۱۷/۵۰۸) ب- گاه جمله عربی بخشی از یک آیه است. نظیری در این مورد به دو گونه عمل کرده است: الف- گاهی بخشی از یک آیه را بدون هیچ تغییری در شعرش بکار برده است. جمله «اصطفینا» در مصراع «نامش آخر حرزش اصطفینا ساخته» (همان، ۹/۴۸۳) که برگرفته از آیه «ثمّ اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا» (فاطر/ ۳۲) است و جمله «من علیها فان» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۰/۴۶۶) از آیه «کلّ من علیها فان» (الرحمن/ ۲۶) گرفته شده است. جمله های «اسجدوا» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۰/۴۸۳) «لن ترانی» (همان، ۷/۵۰۲) «هم مستغفرین» (همان، ۹/۴۹۱) و... نیز از این دسته اند.

ب- در برخی از بیت ها، نظیری جملات برگرفته از آیات قرآن را با اندکی تغییر به کار می برد مانند: «ما انا الا بشر» (همان، ۴/۴۸۹) که آن را از آیه «انما انا بشر مثلکم» (فصلت/ ۶) گرفته است.

۲- جملات برگرفته از احادیث. در پاره ای از بیت ها نظیری جملات عربی را از احادیث

گرفته است. به عنوان نمونه جمله «لا نبی بعدی» (نظیری، ۱۳۴۰: ۴/۴۸۹) برگرفته از حدیث معروف «منزلت» است. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «فما ترضی ان تكون منی بمنزلة هارون من موسی انا الله لا نبی عدی» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۹۴) و جمله «لحمک لحمی» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۲/۴۹۱) از حدیث «انت اخی ووصیبی ووارثی و لحمک لحمی...» (طبری، ۱۴۱۵: ۶۳۹) و جمله «لی مع الله» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۰/۲۶۶) از حدیث «لولاک لما خلقنا لافلاک» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۴۰۶) و جمله «لی مع الله» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۸/۴۸۹) از حدیث نبوی «لی مع الله وقت لایسعی فیہ ملک مقرب ولانبی مرسل» (شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۴۰۱) گرفته شده است.

۳- جملات برگرفته از سخن بزرگان. در دیوان نظیری جملات عربی دیگری را می بینیم که از سخنان بزرگان گرفته شده است. به عنوان نمونه جمله «بخ بخ لک یا علی مولایی» (نظیری، ۱۳۴۰: ۱۵/۴۹۲) از عمر بن خطاب خلیفه دوم و جمله «انا الحق» (همان، ۲/۳۷) از حلاج.

فرهنگ اسلامی - عربی در شعر نظیری

از جمله مسائلی که در بخش عربی شعرهای نظیری می توان گفت، ورود پاره ای از معلومات دینی، ادبی، تاریخی و علمی است که در فرهنگ جوامع عربی وجود دارد:

الف- معارف دینی. «آزری تراشیده است سنگ ترا» (همان، ۵/۱۰) که اشاره به بت تراشی آزر عموی حضرت ابراهیم دارد و «در ستم رسم است دین و دنیا باختن» (همان، ۷/۴۹) که سلم همان «ذی سلم» است و منطقه ای میان مکه و مدینه که اهل بیت پیامبر (ص) در آن سکونت داشتند. «چراغ مطلب از دودمان بولهبی است» (همان، ۴/۶۵) که اشاره به ابولهب عموی پیامبر دارد.

ب- علمی (نحو عربی). «ترا اگر چه بدین خاکیان رجوعی نیست / ضمیر غایب ابدال را به توست ارجاع» (همان، ۶/۲۵۴) مبحث ضمیر و ارجاع آن به اسمی که توضیح دهنده باشد از مباحث نحو عربیست. «تا نرانده بر زبان آلا به نفی غیر حق / از سخاوت آن هم استثناء به آلا ساخته.» (همان، ۱۴/۴۸۸)

ج- شعر عربی. در سروده های نظیری به نام دو تن از شاعران عرب اشاره شده است: «ولی ز پاکی نظمم به یمن مدحت تو / شرف به نظم روان جریر و اعشی را» (همان، ۵/۳۹۱)

و «به مدحت تو کند زنده روح اعشی را.» (همان، ۷/۳۹۱) که جریر و اعشی دو شاعر معروف عرب زبان هستند که اولی در عصر اموی و دومی در عصر جاهلی زندگی می کردند.

د- تاریخی - اجتماعی. پاره ای از معلومات تاریخی - اجتماعی نیز در اشعار نظیری دیده می شود. از جمله: «پس از حصول مرادات حال آن فاسد / مثل چو باغ ارم گشت و حسرت شداد» (همان، ۱۵/۴۱۴)، «ابن یامین بازگشت از مصر و در قید اوفتاد» (همان، ۲/۴۶۸)، «جمال موصلیان، خوی کوفیان داری» (همان، ۲/۴۶۸)

جدول: بسامد واژه های عربی که بیش از یک بار تکرار شده اند.

واژه	بسامد	واژه	بسامد	واژه	بسامد	واژه	بسامد	واژه	بسامد	واژه	بسامد
بحر	۴۱	جبین	۶	چنان	۴	صعب	۳	میاه	۲	ثمین	۲
خضم	۳۰	طعن	۶	هزل	۴	صحت	۳	التجاء	۲	جدول	۲
عدو	۳۲	امل	۶	خیل	۴	صفیر	۳	مسمار	۲	جیان	۲
سحاب	۱۵	اخوان	۶	خضاب	۴	عبث	۳	اوراد	۲	جزع	۲
رضوان	۱۳	قمر	۶	رشحه	۴	طالع	۳	معجز	۲	حجره	۲
الم	۱۳	سفینه	۶	رطب	۴	غزال	۳	بصل	۲	نحل	۲
سیحه	۱۲	رطل	۶	لون	۴	کواکب	۳	محک	۲	حجر	۲
نواله	۱۲	لولو	۶	سقیم	۴	کوثر	۳	باب	۲	دخان	۲
ورق	۱۱	اغیار	۵	سما	۴	کلفت	۳	مکحل	۲	ریحان	۲
قفا	۱۱	بطن	۵	قبه	۴	ناقه	۳	بیضه	۲	رجوع	۲
نجوم	۱۰	تغافل	۵	الکن	۴	هیجاء	۳	تقب	۲	راحت	۲
احمر	۱۷	ذقن	۵	اخضر	۴	لعب	۳	بیع	۲	رضا	۲
ثانی	۹	روضه	۵	بدر	۴	منسوخ	۳	نعل	۲	سمع	۲
جباه	۹	راح	۵	تعویذ	۴	مشعبد	۳	بدره	۲	سقا	۲
صداع	۹	سائل	۵	تعبان	۴	ورع	۳	نسیق	۲	سجل	۲
صورت	۹	شجر	۵	جدار	۴	معمور	۳	توامان	۲	سلخ	۲
طایر	۵	صباح	۵	عش	۴	مقنی	۳	کاسد	۲	سریر	۲
وادی	۸	صوم	۵	ظل	۴	مقید	۳	تائب	۲	سواد	۲
اعمی	۸	عنب	۵	بیاض	۴	مکتوب	۳	تشریف	۲	سموم	۲
صدر	۸	احباب	۵	حجاب	۳	اکثر	۳	نکاح	۲	سمک	۲
باصره	۸	لسان	۵	حدیقه	۳	حلاوت	۳	نار	۲	ستان	۲
احیا	۷	مفتاح	۵	ریاح	۳	حور	۳	ناصیه	۲	طوف	۲
بادیه	۷	حرب	۵	سامعه	۳	دیار	۳	نسیان	۲	طوق	۲
جنت	۷	حصار	۵	سبق	۳	عسس	۲	اعوان	۲		
مشاطه	۷	قول	۴	چیل	۳	عشرت	۲	مصحف	۲		
ایام	۶	باعث	۴	حیات	۳	فرس	۲	آلاء	۲		

نتیجه

با بررسی زبان عربی راه یافته به دیوان نظیری می توان دریافت:

- ۱ - واژه ها، ترکیب های اضافی و جمله های عربی در اشعار شاعر به کار رفته اند.
- ۲ - شاعر از گونه های مختلف زبان عربی (واژه، عبارت و جمله) در سرودن و غنای اشعارش سود جسته است.
- ۳ - شاعر در سروده هایش نه تنها اصل تعابیر عربی را بکار برده است بلکه با توجه به موسیقی شعر، گاه مفرس شده آنها را نیز در دیوان او می توان یافت.
- ۴ - برخی از عبارت های عربی به کار رفته در دیوان از قرآن و احادیث اقتباس شده و استفاده چنین عبارت هایی میزان تکیه شاعر به قرآن و احادیث دینی را می رساند.
- ۵ - کاربرد همزمان واژه های هم معنی عربی و فارسی، نشان می دهد شاعر آن ها را آگاهانه به کار برده است.
- ۶ - نظیری کلمات عربی را به گونه ای بکار برده است که خواننده در درک معنی شعر دچار سردرگمی نمی شود، بلکه بهره مندی درست و به موقع شاعر از قرینه ها و تضاد و جناس و ... به مخاطب کمک می کند تا به خوبی مفهوم مورد نظر واژه ها را دریابد.
- ۷ - نظیری چون دیگر فارسی زبانان در کاربرد کلمات عربی انعطاف نشان داده و آنها را متناسب با اسلوب فارسی به کار برده است.
- ۸ - جملات معترضه (عربی) بیشتر در مدح و ثنای خداوند است.
- ۹ - بیشتر عبارت های ترکیبی و پاره ای از کلمات عربی با آموزه های دینی شاعر مرتبط است.
- ۱۰ - تعابیر عربی - اسلامی بیشتر در قصائدی وارد شده که در مدح اهل بیت (ع) سروده شده است.
- ۱۱ - با وجود بهره مندی شاعر از زبان عربی و پیروی از حافظ، در دیوان نظیری قصیده ای که همه ابیات آن عربی باشد و یا قصیده ای که تمام ابیات آن دارای یک مصراع عربی و یک مصراع فارسی باشد وجود ندارد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آذر بیگدلی، لطفعلی خان، تذکره آتشکده آذر، تهران: نشر روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳- حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۱.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، بدون چاپ، ۱۳۴۶.
- ۵- سعدی، بوستان، اقبال، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۶.
- ۶- الشرتونی، رشید، مبادئ العربیه فی الصرف و النحو، بیروت: المطبعه الکاتولیکیه، الطبعه الحادی عشره، بلا تاریخ.
- ۷- شیرازی، صدرالدین، شرح اصول کافی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۸- صفاء ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات فردوس، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۹- -----، گنج سخن، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ نهم، ۱۳۶۹.
- ۱۰- طبری، محمد بن جریر، المسترشدفی امامه علی بن ابیطالب، قم: کوشانپور، ۱۴۱۵.
- ۱۱- عباسی، محمود و ملا الهی، معصومه، موسیقی بیرونی اشعار نظیری نیشابوری، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۰۵ - ۱۲۸، ۱۳۹۰.
- ۱۲- فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی، تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: اقبال، چاپ ششم، ۱۳۷۵.
- ۱۳- گلچین معانی، احمد، کاروان هند، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ۱۴- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- ۱۵- مسعود، جبران، الرائد، دار العلم للملایین، بیروت: الطبعه الخامسه، ۱۹۸۶.
- ۱۶- معلوف، لويس، المنجد فی اللغه، بیروت: دارالمشرق، افست اسماعیلان، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۷- مصطفوی سبزواری، رضا، نظیری شاعر سبک هندی و نیشابور، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال سوم، شماره هشتم، صص ۱۳۹ - ۱۵۰، ۱۳۹۰.
- ۱۸- نظیری نیشابوری، محمد حسین، دیوان، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۱۹- -----، دیوان، تصحیح محمد رضا طاهری، تهران: نگاه، ۱۳۷۹.

References

1- The Holy Qurān

- 2-Abbāsi, Mahmūd & MolāEāhi, Masūme. **Mūsiqie Biruni Ašāre Nazīri nišābüri**. Journal of Subcontinent Researches, University of Sīstān & balūcestān, Third year, No.9, pp. 105-128, 2012.
- 3-Al-šartūni, Rašid. **Mabādy Al-Arabiya fi Al-Sarf va Al-Nahve**. Beirut :Catholic publication , Eleventh Edition, Nodate.
- 4-Azar Biğdeli, Lotf AliXan. **Tazkere Ātaškade Āzar**. Tehran: Rozane Publication, First edition, 1998.
- 5-Dehxodā. Ali Akbar. **Loghatnāme**. under Doctor Mohammad Moin, Tehran, 1967.
- 6-Faxroz-zamāni Qazvini, Mollā Abdon-nabi. **Tazkere Meyxane**. Effort by Ahmad Golçin Maāni, Tehran: Eqbāl Publication ,Sixth edition, 1996.
- 7-Golçin Maāni, Ahmad. **Kārvāne Hend**. Mašhad:Astān Quds Razavi Publication, 1999.
- 8-Haskāni, Ubaidullāh ben Abdullāh. **Šavāhedel Tanzil le Qavāedel Tafzil**. Tehran: Assemblyto reviveIslamic culture 1990.
- 9-M'lūf,Louis. **Almonjed fi Al-Loghat**. Tehran: Dāralmšreq Publication 1983.
- 10-Majlesi, Muhammad Bāqer ibn Muhammad Taqi. **Behārol-anvār**. Beirut: revive Arabicculture Publication ,Second edition, 1982.
- 11-Mas'ūd, Jobrān. **Alr'yd**. Beirut: Dārol-Elm Lel-Malāeen Publication, Fifth Edition, 1986.
- 12-Mostafavi Sabzevāri, Rezā. **Nazīri Šā're sabke Hendi va Nišābüri**. Journal of Subcontinent Researches, University of Sīstān & balūcestān. Third year, No.8, pp. 139 – 150, 2012.
- 13-Nazīri Nišābüri, Muhammad Hussain. **Divān**. Correction Mazāher Mosaffā, Tehran: Amir Kabir Publication 1961.
- 14-Nazīri Nišābüri. Muhammad Hussain. **Divān**. Correction Muhammad Rezā Täheri, Tehran: Negāh Publication 2000.
- 15- Saadi,. **Boostān**. Tehran: Eqbāl publication Ninth Edition, 2007.
- 16-Safā, Zabihullāh. **Ganj-e Soxan**. Tehran: Qoqnūs Publication Ninth Edition, 1990.
- 17-Safā, Zabihullāh. **Tārixe adabiāte Iran**. Tehran: Ferdos Publication Second edition, 2000.
- 18-Širāzi, Sadroddin. **Šarhe Osül Käfi**. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research, First edition, 2004.
- 19-Tabari, Muhammad ibn Jarīr. **Al-Mostašrad fi Imāmat Ali ibn Abitāleb**. Qom: Kušanpür Publication ,First Edition, 1994.